

گزارش

روزگار صلح مسلح

۲۰۲۶ از منظر نظامی سالی عجیب و پیچیده به نظر می‌رسد. سالی که الگوهای جنگ و صلح در آن کاملاً مشخص نیستند، اما تعداد بحران‌های هم‌زمان، دوام آنها و پتانسیل شدت‌یافتن‌شان به شکل چشمگیری افزایش یافته است؛ چیزی که بسیاری آن را بحران هم‌افزای نظامی می‌نامند؛ یعنی تجمع منازعات متعدد در نقاط مختلف جهان که پتانسیل افزایش به سطح در‌خور توجهی دارد. در سال‌های اخیر، نقشه ژئوپلیتیک جهان بیش از هر زمان دیگری مملو از نقاط تنش، درگیری‌های فعال و رقابت‌های نظامی آشکار و پنهان شده است. از جنگ فرسایشی اوکراین گرفته تا بحران‌های خاورمیانه، از درگیری داخلی سودان تا تنش‌های فزاینده پیرامون تایوان و حتی ظهور نقاط بحران‌زای جدیدی همچون گرینلند، همگی این تصور را تقویت کرده‌اند که جهان وارد مرحله‌ای ناپایدار و پرمخاطره شده است. هم‌زمان با این تحولات، گزارش‌های رسمی از افزایش بی‌سابقه هزینه‌های نظامی در سراسر جهان منتشر می‌شود؛ موضوعی که این پرسش اساسی را به وجود آورده است که آیا سال ۲۰۲۶ می‌تواند نقطه لغزش جهان به سمت جنگ جهانی سوم باشد یا آنچه شاهد آن هستیم صرفاً بازتولید الگوی قدیمی «صلح مسلح» در قالبی جدید است؟ جنگ اوکراین که از فوریه ۲۰۲۲ آغاز شد، همچنان مهم‌ترین بحران نظامی فعال جهان محسوب می‌شود. این جنگ اگرچه در جغرافیای شرق اروپا محدود مانده، اما آثار آن فراتر از مرزهای منطقه‌ای گسترش یافته است. تقابل روسیه با اوکراین، در عمل به رویارویی غیرمستقیم مسکو با ناتو و ایالات متحده تبدیل شد؛ رویارویی‌ای که باعث بازتعریف سیاست‌های دفاعی اروپا شد. کشورهای اروپایی که پس از پایان جنگ سرد، بودجه‌های نظامی خود را کاهش داده بودند، اکنون بار دیگر به سمت افزایش شدید هزینه‌های دفاعی حرکت کرده‌اند. آلمان، لهستان، کشورهای اسکاندیناوی و حتی ژاپن، جنگ اوکراین را نشانه‌ای از بازگشت جنگ‌های کلاسیک به قرن بیست‌ویکم تلقی کردند. اگر اوکراین نماد جنگ بین‌دولتی در قرن جدید باشد، خاورمیانه نماد انباشت بحران‌های حل‌نشده، جنگ‌های نیابتی و تنش‌های مزمن است. در سال‌های اخیر، این منطقه بار دیگر به یکی از اصلی‌ترین گانون‌های نگرانی امنیتی جهان تبدیل شده است. افزایش تنش میان ایران و اسرائیل، حملات متقابل مستقیم و غیرمستقیم، حضور گسترده نیروهای آمریکایی و ادامه جنگ یمن، همگی تصویری از منطقه‌ای ارائه می‌دهند که هر لحظه ممکن است وارد فاز تشدید بحران شود. در سودان، جنگ داخلی میان ارتش و نیروهای شبه‌نظامی، یکی از شدیدترین بحران‌های انسانی و امنیتی سال‌های اخیر را رقم زده است. با وجود ابعاد فاجعه‌بار این درگیری، ماهیت آن عمدتاً داخلی و منطقه‌ای است. اگرچه قدرت‌های خارجی به‌صورت غیرمستقیم در آن نقش دارند، اما این بحران فاقد ظرفیت لازم برای تبدیل‌شدن به یک درگیری جهانی است. وضعیت ونزوئلا نیز با وجود بازداشت نیکلاس مادورو در یک عملیات نظامی سریع و ادامه تهدیدهای سیاسی، بیشتر در چارچوب رقابت‌های منطقه‌ای و فشارهای ژئوپلیتیک محدود می‌شود. این کشور نمونه‌ای از بحران‌هایی است که اگرچه ناپایداری جهانی را افزایش می‌دهند، اما به‌تنهایی مسیر جهان را به سمت جنگ جهانی تغییر نمی‌دهند.

تایوان: نقطه اصطکاک قدرت‌های بزرگ

در میان تمام بحران‌های کنونی، مسئله تایوان بیش از سایر موارد توجه تحلیلگران امنیتی را به خود جلب کرده است. تایوان نقطه تلاقی مستقیم منافع چین و ایالات متحده است؛ دو قدرتی که رقابت راهبردی میان آنها ستون اصلی نظم جهانی آینده را شکل می‌دهد. رزمایش‌های گسترده چین در اطراف تایوان، افزایش فروش تسلیحات آمریکا به این جزیره و تأکید پکن بر «وحدت سرزمینی»، همگی نشان می‌دهند این بحران در سطحی فراتر از یک مناقشه منطقه‌ای قرار دارد.

جغرافیای جدید رقابت نظامی

یکی از نشانه‌های مهم تغییر ماهیت رقابت‌های جهانی، ظهور مناطق جدید تنش است. قطب شمال و گرینلند نمونه بارز این تحول هستند. ذوب یخ‌ها، منابع انرژی و موقعیت راهبردی این منطقه، آن را به عرصه‌ای تازه برای رقابت میان آمریکا، روسیه، چین و اروپا تبدیل کرده است. اعزام نیروهای نظامی دانمارک به گرینلند و حساسیت ایالات متحده نسبت به این جزیره، نشان می‌دهد حتی مناطق دورافتاده نیز وارد محاسبات امنیتی قدرت‌های بزرگ شده‌اند. این تحول بیش از آنکه نشانه جنگ قریب‌الوقوع باشد، بیانگر گسترش جغرافیای رقابت نظامی در جهان چندقطبی است. به نوشته فاروو و براساس گزارش‌های مؤسسه SIPRI، هزینه‌های نظامی جهان در سال ۲۰۲۴ به بالاترین سطح خود از پایان جنگ سرد رسیده است. این افزایش، به‌ویژه در اروپا و شرق آسیا چشمگیر بوده است. اما نکته‌ای نادیده نیازمند دقت است. افزایش بودجه نظامی الزاماً به معنای آمادگی برای جنگ جهانی نیست، بلکه اغلب پاسخی به احساس ناامنی، بی‌اعتمادی و تلاش برای بازدارندگی محسوب می‌شود. درواقع، بسیاری از کشورها می‌کوشند با تقویت توان دفاعی خود، هزینه آغاز جنگ را برای طرف مقابل افزایش دهند. این منطق، دقیقاً همان منطقی است که در دوران جنگ سرد نیز حاکم بود.

جنگ جهانی یا صلح مسلح؟

با کنار هم قراردادن تمام این مؤلفه‌ها، می‌توان گفت جهان امروز بیش از هر زمان دیگری پرتنش است، اما این تنش‌ها الزاماً به معنای نزدیک‌بودن جنگ جهانی سوم نیستند. آنچه اکنون شاهد آن هستیم، شباهت زیادی به دوره «صلح مسلح» دارد؛ دوره‌ای که در آن رقابت نظامی، افزایش تسلیحات و درگیری‌های محدود وجود دارد، اما سازوکارهای بازدارنده هنوز مانع از انفجار یک جنگ فراگیر شده‌اند. در اوکراین، با وجود سطح بالای تنش، جنگ هنوز از خطوط قرمز قدرت‌های بزرگ عبور نکرده است. هیچ‌یک از طرف‌ها تمایلی به درگیری مستقیم روسیه و ناتو نشان نداده‌اند و سازوکارهای بازدارندگی هسته‌ای همچنان فعال مانده‌اند. همین واقعیت، این جنگ را در چارچوب «جنگ بزرگ اما مهارشده» قرار می‌دهد. نه آغازی برای یک جنگ جهانی فراگیر. در خاورمیانه، تجربه دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که حتی شدیدترین بحران‌ها نیز معمولاً در سطح منطقه‌ای باقی می‌مانند. بازیگران اصلی، با وجود لغایزهای تند، غالباً از آستانه جنگ تمام‌عیار ب‌توانند خود را در آن دخیل کنند. حتی در مورد تایوان نیز منطق بازدارندگی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. جنگ مستقیم بر سر تایوان، پیامدهایی ویرانگر برای اقتصاد جهانی، زنجیره تأمین فناوری و ثبات بین‌المللی خواهد داشت. همین هزینه‌های عظیم باعث شده است بحران تایوان فعلاً در سطح تهدید، نمایش قدرت و جنگ روانی باقی بماند. گرینلند نیز بیشتر تقابلی میان اروپا و آمریکا خواهد بود که به نظر نمی‌رسد چهره درگیری سخت به خود بگیرد.

آکمی فقدان مدرک تحصیلی فارغ التحصیلی

انجناب امیر حسین محسنی فرزند محمد رضا به شماره شناسنامه

۰۴۴۰۹۲۷۴۸۱، صادره از تهران در مقطع **کارشناسی رشته مهندسی پلیمر**

صادره از **واحد دانشگاهی علوم و تحقیقات** با شماره‌ی **۰۶۲۶۳-۱۴۰۱۱۲۳۰**

مفقود گردیده‌است و فاقد اعتبار می‌باشد. از باینده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به نشانی انتهای ستاری، بلوار سیمون ویلیوار ارسال نماید.

ششرق: سخنرانی امانوئل مکررون در داووس فقط یک موضوع‌گیری مقطعی نبود؛ نشانه‌ای بود از عمیق‌ترشدن شکاف‌های ساختاری میان اروپا و ایالات متحده. از جنگ تعرفه‌ای و فشارهای اقتصادی گرفته تا تردیدهای امنیتی در ناتو و مناقشه کم‌سابقه گرینلند، مجموعه‌ای از بحران‌ها هم‌زمان در حال بازتعریف رابطه دو سوی آتلانتیک است. وقتی رئیس‌جمهور فرانسه در قلب داووس از «پایان دوران پیش‌بینی‌پذیری» حرف زد، بسیاری از حاضران فهمیدند که مسئله دیگر اختلاف شخصی میان رهبران نیست؛ نظم قدیمی دارد زیر فشار سیاست زور، تعرفه و تهدید نظامی ترک برمی‌دارد.

سخنرانی مکررون در مجمع جهانی اقتصاد، با لحنی حساب‌شده اما تند، چارچوبی تازه برای درک تنش‌های کنونی ارائه داد. او تأکید کرد رقابت ایالات متحده با اروپا صرفاً اقتصادی نیست، بلکه تلاشی ساختاری برای تابع‌کردن قاره سیز است. به تعبیر او، اروپا کند حرکت می‌کند، اما بر پایه قانون، پیش‌بینی‌پذیری و سرمایه‌گذاری بلندمدت ایستاده و حاضر نیست با منطق اجبار و قلدری کنار بیاید.

در پس این موضع‌گیری، مجموعه‌ای از اختلافات انباشته‌شده قرار دارد. تعرفه‌های تهدیدآمیز دولت ترامپ علیه کالاهای اروپایی، از شراب و شامپاین فرانسه گرفته تا صنایع پیشرفته، تنها ابزار فشار اقتصادی نیستند. پیام سیاسی روشنی هم دارند. مکررون در داووس هشدار داد که جنگ تعرفه‌ای برنده ندارد و فقط به تضعیف رشد جهانی و بی‌ثباتی می‌انجامد. این حرف در فضایی زده شد که حمایت‌گرایی دوباره به واژه مسلط سیاست تجاری آمریکا تبدیل شده است.

طعنه سیاسی و هشدار تاریخی

طنز تلخ مکررون در ابتدای سخنرانی، خنده‌ای عصبی در سالن ایجاد کرد. او با اشاره به ثبت بیش از ۶۰ جنگ فعال در جهان، به‌طور غیرمستقیم به روایت‌های ساده‌انگارانه درباره حل سریع منازعات طعنه زد. کمی بعد، همان خط فکری به هشدار جدی‌تری رسید: این دوران، دوران امپریالیسم تازه یا

داووس، گرینلند و شکاف آتلانتیک

آزمون پرهزینه اتحاد غرب



استعمار نو نیست و اروپا ترجیح می‌دهد به‌جای زور، بر احترام و قانون تکیه کند. در کنار تجارت، مسئله سرمایه‌گذاری نیز برجسته شد. مکررون خواستار افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی و حتی جذب سرمایه مستقیم چین در بخش‌های کلیدی اروپا شد؛ پیشنهادی که نشان می‌دهد پاریس به دنبال موازنه‌سازی میان قدرت‌هاست، نه قطع رابطه با یکی به نفع دیگری. این نگاه، مستقیماً به ایده «خودمختاری راهبردی اروپا» گره می‌خورد؛ مفهومی که سال‌هاست در بروکسل تکرار می‌شود، اما حالا رنگ اضطرار گرفته است.

تنش‌ها فقط در سطح حرف باقی نمانده‌اند. انتشار پیامک‌های خصوصی میان ترامپ و مکررون که خود ترامپ آنها را علنی کرد، لایه‌ای کم‌سابقه از تنش شخصی را آشکار کرد. در یکی از این پیام‌ها، مکررون از سیاست آمریکا درباره گرینلند ابراز تعجب کرده و پیشنهاد برگزاری نشست گروه هفت را داده بود. پاسخ ترامپ اما تهدیدآمیز بود: از بی‌اهمیت جلوه‌دادن مکررون تا تهدید به تعرفه ۲۰۰درصدی بر شراب و شامپاین فرانسه، واکنش پاریس محتاطانه اما قاطع بود. مقام‌های فرانسوی تأکید کردند تعرفه ابراز حل عدم توازن اقتصادی نیست و مکررون نیز از «خونسردی» سخن گفت. بااین‌حال، پشت صحنه، بحث استفاده از ابزار ضد اجبار اتحادیه اروپا برای پاسخ هماهنگ به فشارهای آمریکا جدی‌تر شده است.

نشانه‌های عقب‌نشینی ساختاری آمریکا ز ناتو

در حوزه امنیتی، نگرانی‌ها حتی عمیق‌تر هستند. گزارش‌ها درباره کاهش حدود ۲۰۰ پست نظامی آمریکا در ساختارهای فرماندهی و اطلاعاتی ناتو، اگرچه از نظر عددی محدود است، اما بار نمادین سنگینی دارد. این کاهش‌ها که بیشتر از طریق جایگزین‌نکردن نیروهای در حال خروج انجام می‌شود، در مراکزى همچون فرماندهی عملیات ویژه ناتو در بروکسل و مراکز اطلاعاتی بریتانیا و پرتغال اثر خواهد گذاشت.

از منظر واشنگتن، این اقدام با تمرکز دوباره بر نیمکره غربی همخوان است. اما برای اروپا، پیام متفاوتی دارد: تردید درباره میزان تعهد بلندمدت آمریکا به امنیت قاره. این نگرانی با

اظهارات پیشین ترامپ درباره امکان هدف‌گرفتن اعضای ناتو که سهم بودجه دفاعی خود را افزایش ندهند، تشدید شده است. موضوع گرینلند این اضطراب را به اوج رسانده است. تلاش دوباره ترامپ برای تصاحب این قلمرو خودمختار دانمارک، پرسش‌هایی بی‌سابقه درباره تمامیت ارضی درون ناتو ایجاد کرده است. تهدید به اعمال تعرفه علیه کشورهایی که از حاکمیت دانمارک حمایت کنند، باعث شده برخی دیپلمات‌های اروپایی از «خط قرمز بنیادین» سخن بگویند؛ زیرا هرگونه تهدید سرزمینی میان متحدان، منطق دفاع جمعی ناتو را از درون تهی می‌کند.

در همین حال، پنتاگون تلاش کرده فاصله خود را با این لغایزها حفظ کند. مقام‌های آمریکایی گفته‌اند هیچ دستور عملیاتی برای برنامه‌ریزی حمله به گرینلند صادر نشده است. این سکوت برنامه‌ریزی در برابر هیاهوی سیاسی، خود به نشانه‌ای از شکاف میان پیام‌های کاخ سفید و محاسبات حرفه‌ای نظامیان تبدیل شده است. تحلیلگران امنیتی یادآور می‌شوند از نظر فنی، تصرف گرینلند دشوار نیست؛ جمعیت کم، وسعت زیاد و حضور محدود نیروهای محلی، این سناریو را ساده جلوه می‌دهد. اما هزینه راهبردی آن بسیار بالاست. حمله به گرینلند، حمله به دانمارک و ضربه مستقیم به اعتبار ناتو خواهد بود؛ اتحادی که ده‌ها بار اعتماد متقابل نباشه شده است.

افزایش حضور نمادین نیروهای اروپایی در گرینلند برای انجام رزمایش نشان داد که اروپا این تهدیدها را جدی گرفته است. همین اقدام، به تهدیدهای تازه ترامپ درباره تعرفه علیه کشورهای مشارکت‌کننده انجادم و خطر سوءمحاسبه را بالا برد. آنچه در داووس و پس از آن رخ داد، تصویریک بحران مقطعی نیست؛ رابطه فراآتلانتیک وارد مرحله‌ای شده که در آن تجارت، امنیت و حتی اصول بنیادین اتحاد زیر سؤال رفته‌اند. اروپا ناچار است میان اتکا به شریکی غیرقابل پیش‌بینی و ساختن ظرفیت‌های مستقل خود، یکی را انتخاب کند؛ انتخابی که پیامدهای آن، فراتر از بروکسل و واشنگتن، کل نظم جهانی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

بحران گرینلند و شکاف فزاینده در اتحاد غرب

تنش‌ها با افشای پیام خصوصی امانوئل مکررون وارد مرحله تازه‌ای شد. ترامپ متن پیامی را منتشر کرد که رئیس‌جمهور فرانسه در آن خواستار پیوستن او به نشست رهبران گروه هفت در پاریس شده و صراحتاً نوشته بود که سیاست آمریکا درباره گرینلند را درک نمی‌کند. انتشار این پیام، نقض آشکار عرف دیپلماتیک بود و نشان داد که اختلافات به سطح شخصی نیز کشیده شده است. دفتر مکررون اعلام کرد فرانسه خواستار برگزاری رزمایش ناتو در گرینلند شده و آمادگی مشارکت در آن را دارد. هم‌زمان گزارش‌هایی منتشر شد مبنی بر اینکه کپنهاگ در حال بررسی اعزام تا هزار سرباز به این منطقه در سال ۲۰۲۶ است؛ اقدامی که نشان می‌دهد دانمارک تهدیدها را صرفاً لفظی تلقی نمی‌کند. در حاشیه این بحران امنیتی، ترامپ تلاش کرد دستورکار اقتصادی خود را نیز پیش ببرد. او در سخنرانی داووس بر قدرت اقتصاد آمریکا تأکید کرد و از طرحی برای مقابله با افزایش هزینه مسکن رونمایی کرد؛ طرحی که اجازه می‌دهد شهروندان از پس‌اندازهای بازنشستگی خود برای پیش‌پرداخت خرید خانه استفاده کنند. این در حالی است که نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد بخش بزرگی از آمریکایی‌ها از عملکرد اقتصادی دولت او ناراضی‌اند. کاخ سفید اعلام کرد ترامپ قصد دارد از داووس برای تبلیغ برنامه اقتصادی خود و دعوت اروپا به ترک «رگود» استفاده کند. با این حال، سایه تنش‌های ژئوپلیتیک چنان سنگین بود که پیام اقتصادی او عملاً در حاشیه قرار گرفت.

ترامپ در داووس همچنین دیدارهایی جداگانه با رهبران سوئیس، لهستان و مصر برنامه‌ریزی کرد و قرار است بر مراسمی مرتبط با نهادی به‌نام «هیئت صلح» ریاست کند؛ گروهی که او برای بازسازی غزه تشکیل داده است. اظهاراتش درباره احتمال ایفای نقش در حل بحران‌های جهانی، نگرانی‌هایی ایجاد کرد، زیرا این نقش به‌طور سنتی بر عهده سازمان ملل بوده است. خود او گفته است سازمان ملل را دوست دارد، اما معتقد است هرگز به ظرفیت واقعی‌اش نرسیده است.

در مجموع، داووس اسمال بیش از هر چیز تصویر فروپاشی تدریجی قطعاتی‌های قدیمی را به نمایش گذاشت. بحران گرینلند، فقط یک اختلاف ارضی نیست؛ نمادی است از جهانی که در آن قواعد، اتحادها و خطوط قرمز در حال بازتعریف‌اند. اروپا اکنون با این واقعیت روبه‌روست که دیگر نمی‌تواند امنیت و ثبات خود را بدیهی فرض کند، حتی وقتی تهدید از درون همان اتحادی می‌آید که ده‌ها ستون اصلی نظم غرب بوده است.

خبر

خط‌ونشان اردوغان برای سوریه

رئیس‌جمهور ترکیه می‌گوید کشورش هیچ ادعای ارضی بر هیچ کشوری ندارد. رجب طیب اردوغان که در پارلمان ترکیه سخنرانی می‌کرد، اظهار کرد ترکیه از ابتدا از وجود «دولت سوریه که خاک و وحدت سیاسی خود را حفظ می‌کند»، دفاع کرده است. او که به وضعیت بحرانی این روزهای سوریه اشاره داشت، هشدار داد: «ما تأسیس یک نهاد جدایی‌طلب که امنیت ما را در مرز جنوبی‌مان تهدید کند، نمی‌پذیریم». اردوغان هشدار داد: «توسل به اقدامات تحریک‌آمیز در سوریه در این مرحله خودکشی خواهد بود».



رئیس‌جمهور ترکیه با بیان اینکه بارها تأکید کرده‌ایم که ایجاد یک نهاد جدایی‌طلب که امنیت ما را در مرز جنوبی‌مان تهدید کند، نمی‌پذیریم، افزود: یک سازمان تروریستی یک چیز است و برادران کرد من چیز دیگری. هیچ‌کس، اینجا یا آنجا، نمی‌تواند برادران کرد من را گروگان بگیرد. اردوغان تأکید کرد: تا زمانی که جمهوری ترکیه وجود دارد و این کشور قوی است، خدا را شکر هیچ‌کس نیازی به جست‌وجوی محافظ یا دنبال‌کردن دوستان و شرکای دیگر ندارد. او از توافق بین دولت سوریه و نیروهای دموکراتیک سوریه استقبال و ابراز امیدواری کرد که به یک راه‌حل پایدار دست یابد. «ما هیچ ادعای ارضی بر خاک هیچ کشوری نداریم و در امور داخلی هیچ کشوری دخالت نمی‌کنیم، اما اجازه نمی‌دهیم منافع ما به خطر بیفتد». اردوغان همچنین از تماس تلفنی پربار با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، خبر داد که طی آن درباره مسائلی که امنیت سوریه را افزایش می‌دهد، ازجمله مبارزه مشترک علیه داعش، گفت‌وگو کردند. رئیس‌جمهور ترکیه افزود: «نیروهای دموکراتیک سوریه باید سلاح‌های خود را زمین بگذارند و قلمروی خود را به دولت سوریه تحویل دهند».

او تأکید کرد: «در‌ها در سوریه جدید ادغام خواهند شد». به گفته اردوغان، «نیروهای دموکراتیک سوریه نمی‌توانند حضور خود را در مناطقی که در سوریه محاصره شده‌اند، حفظ کنند». او افزود: «سلجوقیان، عثمانی‌ها و جمهوری ترکیه همگی در این چارچوب درگیر شدند و هویت خود را به دست آوردند. امروز، وقتی از اتحاد ترک-کرد-عرب صحبت می‌کنیم، بر اساس این درک عمل می‌کنیم که از اجداد و تاریخ باشکوه خود به ارث برده‌ایم. ترکیه نه با هیچ فرقه‌ای مخالف است و نه با هیچ هویت قومسی... این خون یک عرب برای یک کرد و خون یک کرد برای یک ترک یا ترکمن حرام نیست؟ آیا کردها برادران ما و اعراب برادران ما و ترکمن‌ها، سنی‌ها، شیعیان و علوی‌ها برادران ما نیستند؟ پس چرا این همه نفرت، انتقام و جاه‌طلبی کورکوران، درحالی‌که می‌توانیم مشکلات خود را براساس برادری حل کنیم؟».

اردوغان تأکید کرد که ترک‌ها، کردها و اعراب هیچ دوست، حامی یا پناهگاهی ندارند که در مواقع سختی به آنها پناه ببرند، جز یکدیگر. او افزود: «در طول تاریخ، هر زمان که متحد شده‌ایم، فاه ما افزایش یافته و تمدن‌های بزرگی ساخته‌ایم. هر زمان که روح برادری و دوستی در این منطقه حاکم بوده است، ما قوی‌تر شده و به قلعه‌ای شکست‌ناپذیر تبدیل شده‌ایم». اردوغان تأکید کرد که ترکیه دیگر نمی‌خواهد شاهد جنگ، درگیری یا تنش در هیچ بخشی از این منطقه، به‌ویژه در سوریه، باشد و نمی‌خواهد منابع طبیعی منطقه به جیب سودجویان جنگ برود.